

# میراث فکر مشروطیت

• شادی معرفتی  
دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ



- رسائل مشروطیت، مشروطه به روایت موافقان و مخالفان،
- غلامحسین زرگری نژاد
- تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷، ۲ جلد

اندرزنامه‌های سیاسی، احکام السلطانیه‌ها، رسائل سیاسی و اجتماعی و کتابچه‌ها و لوایح قانونی، ارکان منابع اندیشه و میراث تفکر سیاسی ایران را تشکیل می‌دهند؛ با این وجود، هنوز شمار زیادی از آن‌ها ناشناخته و انتشار نیافته در مجموعه‌های شخصی باقی مانده‌اند و تا آن هنگام که این آثار در دسترس محققان و پژوهشگران علاقمند به مطالعات تاریخ اندیشه‌ی سیاسی ایران قرار نگیرد، داوری عالمانه و شایسته در باب ماهیت، روند تحول و یا انحطاط تاریخ تفکر سیاسی میسر نخواهد بود.

دکتر غلامحسین زرگری نژاد، که دغدغه‌ی مطالعه‌ی تاریخ اندیشه را در ذهن دارند، مجموعه‌ای از این متون را گردآوری، استنساخ و تصحیح نموده‌اند؛ از این مجموعه پیش‌تر جلد اول رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، احکام الجهاد و اسباب الرشاد (رسائل و فتاوی جهادیه دوره فتحعلی شاه و جنگ‌های ایران و روس) و رسائل سیاسی عصر قاجار به چاپ رسیده بود. اما موضوع گفتار حاضر، مجموعه رسائل مشروطیت است که نگارنده در مقدمه چاپ‌های پیشین، انتشار کتاب دوم آن را وعده داده بود، این وعده با فاصله‌ی ده‌ساله جامه‌ی عمل پوشید و رسائل مشروطیت «مشروطه به روایت موافقان و مخالفان» در دو مجلد و مشتمل بر ۴۸ رساله، منتشر شد.

## درآمد

پژوهش‌ها و تحقیقات گسترده‌ای درباره‌ی مشروطه‌ی ایرانی انجام شده است، با این وجود نانوشته‌ها و تحریفات بسیار است و بحث و بررسی درباره‌ی برخی جنبه‌های اصلی تاریخ این دوره از جمله ساختار اقتصادی، اجتماعی و مبنای توسعه‌نیافتگی ایران، یا به طور کلی مورد غفلت قرار گرفته و یا مراحل نخست تحقیق را طی می‌کند.

در طول دوره‌ی قاجاریه، با وجود سلطه‌ی نظام سلطنتی مطلقه، بیش از یکصد رساله‌ی سیاسی و اقتصادی، با انگیزه‌های متفاوت و توسط افرادی با پایگاه‌های سیاسی، طبقاتی و فکری مختلف، عمدتاً توسط علما، اصحاب سیاست و منورالفکرهای دوره‌ی قاجار و تعداد بسیار اندکی نیز توسط تجار تألیف شده‌اند. مهم‌ترین و ارزشمندترین این رسائل، رسائلی است که علما در باب مشروطه و له یا علیه آن به رشته‌ی تحریر کشیده‌اند.

فهم عمیق‌تر دوره‌ی مشروطه و بستری که این جنبش در آن

رشد کرد و تکوین یافت و همچنین آگاهی از ماهیت و روند تحولات اندیشه‌ی مشروطه‌خواهان و مشروطه‌طلبان، بیش‌تر از آنکه مبتنی بر شناخت وقایع و رویدادها باشد، مستلزم مطالعه‌ی رسائل سیاسی عصر مشروطه است. این رسائل تنها بخشی از تاریخ تفکر سیاسی ایران را در بر ندارند، بلکه در لابلای صفحات آنها، اطلاعات پراکنده‌ای در باب اوضاع سیاسی، اجتماعی ایران نیز وجود دارد. همچنین در برخی از این رسائل، نگرش‌های ضد استعماری و استقلال‌طلبانه منبعت از اندیشه مشروطه‌خواهی و نهضت مشروطیت دیده می‌شود.

کوچکترین تردیدی درباره‌ی نقش مهم علما در شکل‌گیری روند مشروطه وجود ندارد، اما یکی از بحث‌برانگیزترین سؤالات در تاریخ مشروطه این است که چه عواملی موجب دودستگی میان علما شد، چرا عده‌ای از آنان به حمایت از مشروطه برخاستند و برخی دیگر قاطعانه علیه آن به حرکت درآمدند؟

ابن نصرالله مستوفی از مشروطه‌طلبان حامی شیخ فضل‌الله، در تاریخ خطی خویش که تاکنون به چاپ نرسیده، به دور از تعصب و جانبداری، درباره‌ی اختلافات این دو فرقه چنین نوشته است:

«در این اوقات مردم دو فرقه و دو جوقه هستند، جمعیتی از دنبال سیدین‌السندین هستند و جمعیتی نیز در اطراف حاج شیخ فضل‌الله هستند. از هر طرف سخنی بر ضد یکدیگر می‌گویند. رفته‌رفته بین این دو دسته کار به خصومت کشید. عداوت کلی گردید. ملت از طرد و نفی حاج شیخ سخن می‌گویند، چراغ آزاد ملی نسبت به او خیلی بد می‌نویسند و تبعید او را از دولت و رئیس داخله اقتضا می‌کنند. همه روزه هیجان ملی درب مسجد مقدس و در مساجد و مدارس موجود است. در این اوقات غیر تنبیه و تبعید او حرفی نیست.»<sup>۱</sup>

متأسفانه فاصله گرفتن از تاریخ‌نگاری واقع‌گرایانه و افتادن در ورطه‌ی جانبداری از این یا آن جریان فکری و سیاسی موجب شده که طرفداران هریک از دو جریان مشروطه‌خواهی و مشروطه‌طلبی بدون پای‌بندی به اولین اصل تاریخ‌نویسی، یعنی بی‌طرفی، به جای تکیه بر اسناد و مدارک، در وادی اتهام و استتار حقیقت گام بردارند.

بسیار ساده‌انگارانه است اگر این اختلاف عقیده‌ی میان علما را به تأسی از برخی مشروطه‌خواهان، دلیل کفر و ارتداد مشروطه‌طلبان و بالعکس به پیروی از عده‌ای از مشروطه‌طلبان، گواهی بر دنیاگرایی و منفعت‌طلبی مشروطه‌خواهان دانست.

چنین به نظر می‌رسد که اختلاف بین مشروطه‌خواهان و مشروطه‌طلبان، از تفاوت برداشت آنان از برخی مفاهیم همچون «سلطنت»، «حکومت»، «قانون»، «آزادی» و «مساوات» ناشی می‌شده است، چرا که مطمئناً علمای بزرگی چون سید کاظم طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی و مراجع ثلاثه‌ی نجف، تردیدی در ضرورت «اسلامی» بودن مصوبات مجلس نداشتند، که به کیفر آن به کفر و ارتداد متهم شوند؛ از سوی دیگر اتهام دنیاطلبی مشروطه‌خواهان نیز همین قدر غیر منصفانه است، که در این صورت، عالم مجتهدی همچون شیخ فضل‌الله نوری، بهای اندیشه‌ی خویش را بر بالای دار نمی‌پرداخت؛ مسلماً آنچه باعث دودستگی میان علما می‌شد، تفسیر متفاوت از «اسلامی بودن» بود که در باورها و

اندیشه‌های سیاسی آنان انعکاس یافته بود.

شایسته است به جای هر نوع قضاوت و پیش‌داوری، برای آگاهی از مبانی اندیشه‌ی مشروطه‌خواهان و محوری‌ترین انتقادات آنان از مشروطه و پاسخ مشروطه‌طلبان در مشروعیت مشروطه، نگاهی بیندازیم به مهم‌ترین رسائل هر دو فرقه. برخی از مهم‌ترین مفاهیمی که موجب اختلاف میان علما شده بود، عبارت بود از:

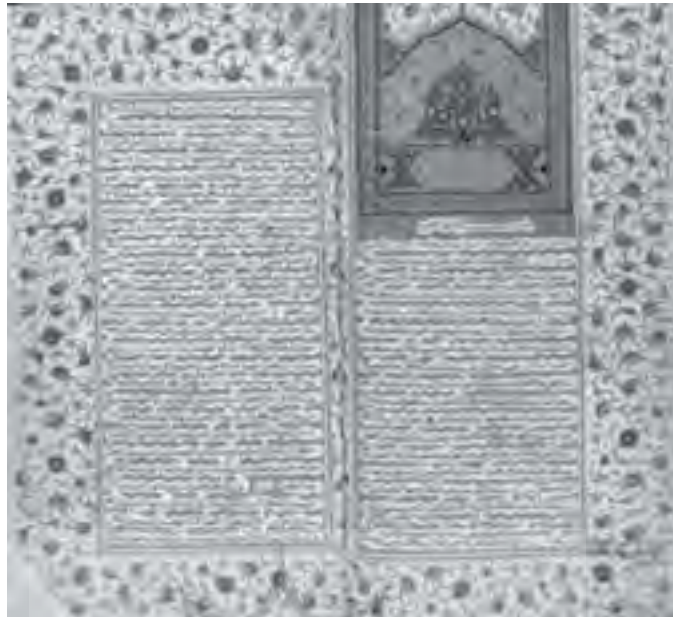
**قانون:** با مطالعه‌ی سخنان و مواضع مشروطه‌خواهان به‌خصوص رهبر برجسته ایشان، شیخ فضل‌الله نوری می‌توان به این نتیجه رسید که وی به دلیل درک خاصی از فلسفه‌ی سیاسی شیعه در دوره‌ی غیبت و احساس خطر شدید نسبت به مخدوش شدن ارزش‌های اسلامی، به راستی از غلبه‌ی لامذهبی در قالب مشروطیت اندیشناک و هراسان بود. شیخ فضل‌الله، اولاً: نظام مشروطه را در قیاس با حکومت مشروطه، به حال اسلام و مسلمین مفیدتر می‌دانست؛ ثانیاً: خطر حکومت استبدادی محمدعلی شاهی را کمتر از خطر مشروطه‌طلبانی می‌شمرد که مجلس را قبله‌ی خود و محل طواف، توصیف می‌کردند.

از اهم ایراداتی که مشروطه‌خواهان به نظام مشروطه می‌گرفتند، در درجه نخست، مبحث قانون بود. در بنیاد تفکر مشروطه‌خواهان، اصلی‌ترین دلیل شرعی حرمت مشروطه و شالوده‌ی عدم انطباق آن با شریعت اسلامی، به رسمیت شناخته شدن «قانون‌گذاری» در نظام مشروطه و تشکیل دارالشوری برای «جعل قانون» بود. این دسته از علما، قانون شرع را کامل می‌دانستند و بر این عقیده بودند که قوه مقننه، بدعت در شرع اسلام است؛ به‌طور مثال نویسنده‌ی رساله‌ی کشف‌المراد (از مهم‌ترین رسائل مشروطه‌خواهان) در همین‌باره چنین نوشته است: «چگونه شایسته و رواست به کسانی که خود را معتقد به قرآن می‌دانند، فریب چند نفر شیطان انسان‌نما را خورده، به جای کعبه، مجلس پارلمنت‌نما را قرار داده، عوض قرآن، قانون بخواهند و احکام نبوی را کهنه خوانده، نظام‌نامه اساسی مطالبه کنند.»<sup>۲</sup>

شیخ فضل‌الله نوری نیز در «رساله‌ی حرمت مشروطه» عقیده دارد: «چنین می‌نماید که جعل بدعتی و احداث ضلالتی می‌خواهند بکنند، و الا وکالت چه معنی دارد؟»، «قانون همان قانون اسلام است»<sup>۳</sup> و «ممکن نیست مشروطه منطبق شود با قواعد الهیه و اسلامیه»<sup>۴</sup>

نویسنده رساله‌ی «تذکره‌العافل و ارشاد الجاهل» بهترین قانون را قانون الهی می‌داند و می‌نویسد: «اگر کسی را گمان آن باشد که مقتضات عصر، تغییردهنده بعض مواد آن قانون الهی است یا مکمل آن است، چنین کس هم، از عقاید اسلامی خارج است به جهت آن‌که [پیغمبر ما (ص)] خاتم انبیاء است و قانون او ختم قوانین است و خاتم آن کسی است که آنچه مقتضی صلاح حال عباد است الی یوم‌الصور به سوی او وحی شده باشد و دین را کامل کرده باشد. پس بالبدیهه چنین اعتقاد، کمال منافات را با اعتقاد به خاتمیت و کمال دین او دارد و انکار خاتمیت به حکم قانون الهی کفر است.»<sup>۵</sup>

علمای طرفدار مشروطه نیز، به‌طور قطع جعل هر قانونی، در مقابل قانون الهی را کفر می‌دانستند، اما برای اثبات مشروعیت مشروطه و عدم مبادنت آن با خاتمیت پیامبر دلایلی داشتند.



میرزا حسین نائینی نویسنده‌ی رساله‌ی «تنبيه الامم و تنزیه الملة» معتقد است که قانون جانشین عصمت در حکومت فرمانروایان غیر معصوم است، وی در این باره چنین آورده: «هر تب داشتن دستوری که به تحدید مذکور و تمیز مصالح نوعیه لازم‌الاقامه از آنچه در آن حق مداخله و تعرض نیست، کاملاً وافی و کیفیت اقامه آن وظایف و درجه استیلاء سلطان و آزادی ملت و تشخیص کلیه حقوق طبقات اهل مملکت را موافق مقتضیات مذهب، به‌طور رسمیت متضمن [آگردد] ... دستور مذکور در ابواب سیاسیه و نظامات نوعیه، به منزله رسائل عملیه تقلیدیه در ابواب عبادات و معاملات و نحوهما و اساس حفظ محدودیت مبتنی بر عدم تخطی از آن است، لهذا نظامنامه و قانون اساسیش خوانند.»<sup>۶</sup>

شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی نیز در رساله‌ی «اللتالی المربوطه فی وجوب المشروطه» در این باره معتقد است: «... آنچه باعث رفاهیت رعیت و خلاصی آنهاست از فشار ظلم استبداد، دخلی به احکام کلیه شرعیه که مورد اجتهاد مجتهدین است ندارد. آیا در قانون اساسی ... بر خلاف اجتهاد مجتهدین چیزی مقرر داشته، یا بعد از این مقرر خواهد داشت و در احکام کلیه الهیه که مرجع در آنها کتاب و سنت است و به دست‌یاری فهم مجتهدین بایست معین شود، مداخله خواهند نمود و دین دیگری اختراع خواهند کرد؟»<sup>۷</sup>

**سلطنت:** یکی دیگر از ایرادات مشروعه‌خواهان به مشروطه، تضعیف سلطان بود. این دسته از علما بر این عقیده بودند که مشروطه‌طلبان علیرغم ادعایشان در تقویت دولت اسلام، برای تأمین نظم داخلی و حفظ حدود و ثغور کشور از تعرض بیگانگان، عملاً به تضعیف سلطان اسلام می‌پردازند. سلطان در نظر مشروعه‌خواهان، پاسدار شریعت و

حافظ دولت اسلامی محسوب می‌شد؛ چنانچه نویسنده‌ی تذکره‌الغافل چنین نوشته: «مقصود اینها تقویت دولت اسلام بود، چرا اینقدر تضعیف دولت اسلام‌پناه را می‌کردند»<sup>۸</sup>

مؤلف کشف‌المراد نیز عقیده دارد: «اگر در حواشی سلطان پاره‌ای تعدیات بر مردم وارد آید، بلی در ضمن فوایدی هم دارند که شر فساد و اشرار از قبیل قطاع طریق و دزد خانه‌ها و الواد محله‌ها و شر همسایه‌ها را از مال و جان رعیت، مانع گشته و نگهداری می‌نمایند.»<sup>۹</sup>

در مقابل، علمای مشروطه‌طلب، برای تحدید ظلم و استبداد، تلاش می‌کردند که مشروطه را با بنیان‌های سیاسی تشیع منطبق کنند. آنان بر این عقیده بودند که سه نوع حکومت وجود دارد: ۱- حکومت معصوم، ۲- حکومت استبدادی مطلقه و ۳- حکومت مشروطه.

از آنجایی که در زمان غیبت امام، تشکیل حکومت عادلانه‌ی کامله‌ی شیعی ممکن نیست، باید در تحدید قدرت سلطان و اعاده‌ی حقوق مردم کوشید. در اندیشه‌ی آنان منظور از مشروطه، محدود کردن قلمرو اعمال قدرت شاه و مقید کردن روش‌های خودسرانه و بدون قید دستگاه پادشاهی، به قیود و حدود بود.

محلاتی در رساله‌ی «مراد از سلطنت مشروطه» در این باره نوشته است: «ملخص مفاد مشروطیت سلطنت و پادشاهی عبارت است از محدود شدن ادارات دولت و ارادات سلطنت به حدود و قیودی که عمل کردن به آنها به حال مملکت اسلامی مفید باشد و و باعث قوت و شوکت دولت گردد»<sup>۱۰</sup>

نائینی، صاحب معتبرترین رساله‌ی مشروطه‌خواهان نیز در باب حکومت استبدادی چنین آورده است: «این قسم از سلطنت را چون

## علمای مشروعه خواه معتقد بودند مشروطه طلبان علیرغم ادعایشان در تقویت دولت اسلام، برای تأمین نظم داخلی و حفظ حدود و ثغور کشور از تعرض بیگانگان، عملاً به تضعیف سلطان اسلام می پردازند

فی وجوب المشروطه» چنین می نویسد: «حریت در دو مقام گفته می شود: یکی حریت و آزادی مردم است از قید رقیت استبداد سلطنت؛ دیگری حریت و آزادی آنها از قید رقیت و عبودیت خدایی که لازمه مخلوقیت خلق و امکان آنها است.»<sup>۱۷</sup>

علمای دو دسته، در برداشت از برخی مفاهیم دیگر نیز اختلافاتی داشته اند، که برای آگاهی بیشتر مطالعه‌ی رسائل آنان، ناگزیر است.

### مشروطه به روایت دکتر زرگری نژاد:

مجموعه‌ی حاضر، نخستین منتخب رسائل مشروطیت نیست که منتشر شده است، پیش از این نیز، تعدادی از رسائل این دوره به صورت مجزا و یا در ضمیمه‌ی کتبی با موضوع مشروطیت به چاپ رسیده بود، که از میان آنها می توان به رسائل چاپ شده توسط دکتر فریدون آدمیت،<sup>۱۸</sup> رسائل چاپ شده در کتاب «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران»،<sup>۱۹</sup> رسائل موجود در کتاب «تشیع و مشروطیت در ایران»،<sup>۲۰</sup> رسائل ضمیمه‌ی کتاب «مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه»<sup>۲۱</sup> و بالاخره «بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت)»<sup>۲۲</sup> اشاره کرد.

هرچند این رسائل بر اساس نگرش و سلیقه‌ی نگارنده‌ی کتاب انتخاب شده اند و مسلماً اگر کسی دیگر اقدام به چاپ آنها می کرد، این مجموعه به گونه‌ای دیگر به چاپ می رسید. با این وجود، تا کنون هیچ مجموعه‌ای با این تعداد رسائل و با وجود این تفصیل به چاپ نرسیده است. مجموعه رسائل منتخب دکتر زرگری نژاد دارای ویژگی‌هایی چند است:

- ۱- نگارنده، در ابتدای کتاب مقدمه‌ای مفصل درباره‌ی سیر روند وقایع مشروطیت و دلایل اختلاف میان علما به رشته‌ی تحریر درآورده اند. این مقدمه‌ی جامع، نه تنها گزارشی مستند از روند حوادث مشروطه ارائه کرده، بلکه ریشه‌های حضور علما از ابتدای قاجاریه تا عصر مشروطه را نیز مورد بررسی و مذاقه قرار داده است.
- همچنین در نگاهی مقایسه‌ای، دلایل حرمت مشروطه از نگاه مشروعه خواهان و مبانی مشروعیت مشروطه در اندیشه‌ی علمای مشروطه طلب را مورد بررسی قرار می دهد، که برخی از اهم مطالب آن در «درآمد» همین گفتار ملاحظه شد.
- این مقایسه، به ذهن خواننده انسجام می بخشد و به او فرصت

دلخواهانه و ارباب تصرف آحاد مالکین در املاک شخصیت خود و بر طبق اراده و میل شخصی سلطان است، لهذا: تملکیه و استبدادیه گویند... صاحب این چنین سلطنت را حاکم مطلق ... و ملتی را که گرفتار چنین اسارت و مقهور به این ذلت باشند، اسراء و آذلاء و آرقاء گویند.»<sup>۱۱</sup>

**آزادی:** بحث بر سر مفهوم آزادی و حریت نیز، از جمله منازعات میان علما بود. مشروعه خواهان از یکسو آزادی را به معنای لاقیدی و بی بند و باری می دانستند و در مقابل، مشروطه طلبان به آزادی در پرتو شرع می نگریستند و آن را لازمه‌ی پیشرفت و توسعه‌ی جامعه می دانستند.

شیخ فضل الله رهبر مشروعه خواهان طی مناظره‌ای با طباطبائی، صراحتاً اعلام می کند که آزادی «در اسلام کلیتاً کفر است... اگر از من می شنوید، لفظ آزادی را بردارید که عاقبت این حرف ما را مفتضح خواهد کرد»<sup>۱۲</sup>

البته شیخ فضل الله تحدید سلطنت را تأیید می کند و می گوید: «این که بیان گردید حدودی برای پادشاه و وزرا معین خواهد شد خیلی خوب و به جا است. کسی نمی تواند تکذیب کند»<sup>۱۳</sup> اما با این وجود آزادی را تأیید نمی کند و حتی آن را موجب رخنه و آشفتگی در دین اسلام و ایجاد ناامنی در جامعه می داند و از همین روست که باید آزادی را محدود نمود.

نویسنده‌ی رساله‌ی «تذکره العاقل و ارشاد الجاهل» نیز، اعتقاد به آزادی را مطلقاً خلاف شرع می داند و صراحتاً می نویسد: «بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان است»<sup>۱۴</sup>

در مقابل شیخ فضل الله، نائینی، عالم بزرگ مشروطه خواه، آزادی را حقی «خدادادی» می داند<sup>۱۵</sup> و آن را وسیله‌ی خلع استبداد می داند. وی به آزادی در پرتو شریعت می نگرد، از وضعیت موجود ناراضی است و معتقد است برخی جرایم، اهل منبر، دوستان نادان و دشمنان دانا به جای اینکه به مردم درباره‌ی آزادی و حقوقشان آگاهی بدهند، آنان را از مقصد اصلی به کلی دور می کنند و بهانه و دستاویز به دست مستبدین می دهند، «غافل از آن که آفتاب را به گل اندودن محال و دهنه دریای نیل را به بیل مسدود ساختن از ابله‌ی است»<sup>۱۶</sup>

محلاتی، عالم دیگر مشروطه خوان نیز در رساله‌ی «اللئالی المربوطه

## نگارش رسایل مشروعه‌خواهان، از نخستین ماه‌های استقرار مجلس اول و اندک زمانی پس از تدوین قانون اساسی و متمم آن آغاز شد و در دوره‌ی استبداد صغیر، هم بر محتوای آنها در مابینت مشروطیت با شریعت و کفر و الحاد مشروطه‌طلبان افزوده شد و تا عصر رضاشاه ادامه پیدا کرد

# مشروطیت

می‌دهد که به دور از هرگونه پیش‌داوری، عقاید هر دو فرقه را مطالعه نماید و به نتیجه برسد.

۲- او، به پیروی از اصل بی‌طرفی در تاریخ، نه همانند مذهبیبون، علمای مشروطه‌خواه را تقدیس کرده و به تبلیغ مشروطه‌ی مشروعه پرداخته و نه مثال روشنفکران، آنان را به ارتجاع و کهنه‌پرستی متهم نموده است.

۳- در ابتدای بیشتر رسائل درآمدی وجود دارد که مشخصات نویسنده و منش فکری او، اهم مطالب و تحلیل نگارنده‌ی کتاب را شامل می‌شود.

۴- از دیگر ویژگی‌های این تصحیح، توضیح لغات غریب، اصطلاحات فنی فقهی، کلامی و غیره، آوردن آدرس آیات استفاده شده در رسائل و همچنین آوردن برخی توضیحات لازم در ذیل آنها است. نگارنده‌ی کتاب، کوشیده است تا با افزودن یادداشت‌ها و پیوست‌های روشنگر و ایضاحات مفید، برخی ابهامات و پیچیدگی‌های موجود در لابه‌لای مباحث بسیاری از رساله‌ها را کاهش دهد.

### رسائل مشروطیت:

مجموعه‌ی حاضر، مشتمل بر چهل و هشت رساله است که در دو مجلد ارائه شده‌اند:

جلد اول - کتاب نخست: نه رساله از مشروعه‌خواهان  
کتاب دوم: پانزده رساله از مشروطه‌طلبان  
جلد دوم - ادامه‌ی کتاب دوم (بیست و چهار رساله از مشروطه‌طلبان)

آوردن مشخصات تمام رسائل، در اینجا کار چندان آسانی نیست؛ لذا مشخصات برخی را که نگارنده‌ی کتاب بر آنها تأکید کرده است، در اینجا می‌آورم:

### کتاب نخست: رسایل مشروعه‌خواهان

نگارش رسایل مشروعه‌خواهان، از نخستین ماه‌های استقرار مجلس اول و اندک زمانی پس از تدوین قانون اساسی و متمم آن آغاز شد و در دوره‌ی استبداد صغیر، هم بر محتوای آنها در مابینت مشروطیت با شریعت و کفر و الحاد مشروطه‌طلبان افزوده شد. تألیف این رساله‌ها،

پس از پایان دوره استبداد صغیر و خلع محمدعلی‌شاه تا عصر رضاشاه ادامه پیدا کرد.

۱- **کشف‌المراد من المشروطه والاستبداد:** رساله‌ی کشف‌المراد تألیف عالم مشروعه‌خواه محمد حسین بن علی‌اکبر تبریزی است. وی نخستین عالم مشروطه بود که بر خلاف دیگر مشروعه‌خواهان که تا زمان استبداد صغیر سیاستی احتیاط‌آمیز در پیش گرفته بودند و به اعلام حرمت مشروطیت و طرح عقاید واقعی خود را نپرداختند، در اوایل شعبان ۱۳۲۵، یعنی زمانی که شیخ فضل‌الله نوری و بارانش تحصن خود در عبدالعظیم را به پایان می‌بردند، به تألیف این رساله پرداخت و با صراحت تمام از حرمت مشروطه سخن گفت و به تشریح حکومت مشروعه به عنوان جایگزین نظام مشروطه پرداخت. یکی از دلایل اهمیت این رساله در اثبات دلایل ترجیح استبداد بر مشروطه و آزادی است، نویسنده‌ی رساله صراحتاً از سلطنت دفاع می‌کند. مؤلف رساله نظرات انتقادی خویش در باب مشروطه را ذیل دوازده عنوان مطرح نموده است. وی در سه بخش، به بیان سه نوع حکومت مشروطه، استبداد و مشروعه پرداخته و در مقایسه‌ای میان مشروطه و استبداد، به تصریح نوشته که از عمل مشروطه‌طلبان «بوی کفر استشمام می‌شود»<sup>۲۳</sup>

وی همچنین در بیان مشروعه، نظام مطلوب سیاسی خویش را شرح داده و تعیین یک مجتهد علم و عادل و یا جمعی از عدول اهل علم را برای اخذ احکام شرعی و نظارت بر امور کشور، پیشنهاد کرده است.<sup>۲۴</sup>

۲- **رساله حرمت مشروطه:** این رساله که متعلق به شیخ فضل‌الله نوری است، از سوی مؤلفش عنوان خاصی نگرفته و به این عنوان مشهور شده است. شیخ شهید این رساله را در پاسخ به سؤال علت موافقت اولیه با مشروطه و مخالفت ثانویه‌اش با آن نوشته است. این رساله، اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع در باب تفکر مشروطه است و مجتهد شهیر عصر، در آن دلایل حرمت مشروطه و ستیز علیه این نظام را به تحریر کشیده است.

مؤلف، نخست علت همراهی با نهضت مشروطه و همچنین علل کناره‌گیری‌اش از جریان مزبور را شرح می‌دهد و در ادامه پس از بیان مقدمه‌گونه‌ای در روند نهضت مشروطه و نظام مشروطیت، ابتدا نوشتن قانون اساسی و اعتبار اکثریت آراء را به عنوان مسلم‌ترین دلایل مابینت مشروطه با شریعت اسلامی می‌نویسد و آنگاه به قول خویش، عمده‌ترین

عنوانی برگرفته از مطالب همان قسمت آورده و بررسی نموده است.

### کتاب دوم: رسایل مشروطه‌طلبان

مجموعه رسایل مدافعان مشروطه، از نظر زمان تألیف به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- دسته‌ای که اغلب پیش از غوغای مشروطه و مشروعه نوشته شده‌اند و هدف از نگارش آنها، آموزش اصول و مبانی حکومت مشروطه بوده است.

۲- رساله‌هایی که در اواسط ۱۳۲۵، به هنگام اوج گرفتن زمزمه‌های حرمت مشروطه، در آستانه‌ی استبداد صغیر و پس از گلوله‌باران مجلس نوشته شده‌اند.

هدف اصلی از تألیف این دسته از رسایل، دفع شبهاتی بود که مشروعه‌خواهان با تحریف اصول و قواعد مشروطیت القاء می‌کردند.

۳- این دسته از رسایل در موضوعات مختلف، پس از استبداد صغیر و در عصر مشروطه‌ی دوم نوشته شده‌اند. برخی از آنها ناظر به نصاب مشروطه‌خواهان در باب چگونگی تنظیم امور کشور، انتخاب وکلا و استفاده از مستشاران شایسته است و برخی در نقد سیاست دولت و وکلای مجلس دوم در باب اولتیماتوم روسیه و بعضی هم در تحلیل و ریشه‌یابی ناکامی دولت‌های مشروطه از تحقق برنامه‌های مشروطه‌خواهان. برخی از رسایل مشروطه‌خواهان به شرح زیر است:

۱- **احیاء‌الملة**: این رساله، یکی از رسایل دسته‌ی اول است که توسط حسین‌المعتقد اهرمی البوشهری از زبان عربی به فارسی، برای چاپ در روزنامه‌ی مظفری بوشهر ترجمه شده است. مؤلف رساله، مشروطیت را از علائم ظهور می‌داند و برخی آیات و روایات را با مجلس شورای ملی تطبیق می‌دهد.

۲- **قانون مشروطه‌ی مشروعه**: این رساله اثر حاج سید عبدالحسین لاری در اوایل سال ۱۳۲۵ و در فاصله‌ی ماه‌های ربیع‌الاول تا رجب به نثری متکلف و مغلط نوشته شده است.

در بین علمای مشروطه‌خواه، سید عبدالحسین لاری نامی آشناست، وی علاوه بر این رساله، رسایل دیگری نیز در دفاع از مشروطه نوشته است.

او اگرچه رساله‌ی حاضر را به دفاع از مشروطه نوشته است، اما دیدگاه‌های او با مشروطه‌خواهان متفاوت و انتظارات او فراتر است، هرچند که در دسته‌ی مشروعه‌خواهان نیز قرار نمی‌گیرد. مشخصات و ویژگی‌هایی که لاری برای حکومت مشروطه مشروع برمی‌شمارد، این رساله را از بنیاد با دیگر رسایل مشروطه‌خواهان متمایز می‌سازد.

لازم به ذکر است، لاری به رغم برآورده نشدن انتظاراتش در مواجهه با مصوبات مجلس، نه تنها در مقابل مجلس و مشروطه، موضع منفی اتخاذ نکرد، بلکه پس از دوره‌ی استبداد صغیر نیز بی‌درنگ رساله‌ی «قانون در اتحاد دولت و ملت» را در دفاع از مشروطه نوشت و در آن از «شعریات» مخالفان مشروطه انتقاد کرد.

۳- **اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه**: رساله‌ی حاضر، یکی از آثار سیاسی مفصل مجتهد معروف عتبات، شیخ محمداسماعیل



مؤاد آن ضلالت‌نامه را برمی‌شمارد تا جهات حرمت مشروطه را بیشتر آشکار سازد.

۳- **تذکره الغافل و ارشاد الجاهل**: این رساله یکی از مهم‌ترین رسایل سیاسی و بیانیه‌ی اصلی مشروعه‌خواهان است که در آن هم معایب مشروطیت و دلایل مبیانت آن با شریعت مورد بررسی قرار گرفته، هم به معرفی کوتاهی از نظام مشروعه مبادرت شده است. متأسفانه از نام و نشان مؤلف اطلاعی در دست نیست، هرچند دکتر آدمیت نام او را «آقا سید احمد آقا پسر سید کاظم»<sup>۲۵</sup> حدس زده و کاتبی به نام الانزلیجی، مؤلف رساله را شیخ فضل‌الله ذکر نموده است.<sup>۲۶</sup>

دکتر آدمیت در مبحثی در باب رسایل مشروعه‌طلبان، می‌نویسد «نویسنده هر که هست، نماینده قشری‌ترین عقاید مذهبی است، خود را با هیچ‌کدام از احکام و احادیث اسلامی که ممکن است عنصری از آزادمندی در آن یافته شود آشنا نمی‌سازد، دشمن فکر و دانش جدید است... اما این مدافع سرسخت شریعت این اندازه شهامت‌مند نیست که نامش را بر روی رساله‌اش بنویسد»<sup>۲۷</sup>

مؤلف، قبل از آغاز بحث اصلی، متذکر می‌گردد که قصد او، ارائه‌ی دلیل شرعی علیه مشروطیت است، اما هرچه مباحث را به پیش می‌برد، به همان اندازه هم از استواری و پایبندی خود به دلایل شرعی کاسته و به ناسزاگویی به مشروطه‌خواهان می‌پردازد.

نگارنده‌ی کتاب که معتقد است این رساله دارای نثری ضعیف و عاری از نظم منطقی در ارائه مباحث است، جهت نظم بخشیدن به بحث و سهولت بررسی محتوای این رساله، هر قسمت از مباحث آن را با

و اعتبار اساس دلایل عقلی و شرعی‌اش در تنبیه‌الامه و گزارشی از تأیید موضوع محوری رساله یعنی مشروطیت نظام مشروطه و انطباق آن با شریعت توسط امام دوازدهم شیعه در رؤیایی صادق، گویا نائینی پس از مشاهده‌ی انحراف مشروطیت از مسیر اصلی خویش، دستور داد تا کلیه‌ی نسخ تنبیه‌الامه جمع‌آوری گردند، این اقدام احتمالاً به دلیل انتقادات مردم، نسبت به افراط و تفریط‌های مشروطه و عدم برآورده شدن انتظارات مردم صورت گرفته است.<sup>۳۰</sup>

چنین فرصت کوتاهی، مجال مناسبی برای نقد و بررسی تمام رسائل موجود در این کتاب نیست و برای آگاهی بیشتر، مطالعه‌ی این رسائل لابد است.

### پی‌نوشت:

- ۱ - زرگری‌نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷، جلد اول، ص ۳۹.
- ۲ - همان، رساله‌ی «کشف‌المراد من المشروطه و الاستبداد»، ص ۲۰۴.
- ۳ - همان، رساله‌ی «حرمت مشروطه»، ص ۲۶۰.
- ۴ - همان، ص ۲۶۱.
- ۵ - همان، رساله‌ی «تذکره‌الغافل و ارشاد الجاهل»، ص ۲۸۴.
- ۶ - همان، جلد دوم، رساله‌ی «تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملئه»، ص ۴۲۱.
- ۷ - همان، جلد دوم، رساله‌ی «اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه»، ص ۲۳۶.
- ۸ - همان، جلد اول، رساله‌ی «تذکره‌الغافل و ارشاد الجاهل»، ص ۲۹۵.
- ۹ - همان، رساله‌ی «کشف‌المراد من المشروطه و الاستبداد»، ص ۲۱۶.
- ۱۰ - همان، جلد دوم، رساله‌ی «مراد از سلطنت مشروطه»، ص ۲۸۸.
- ۱۱ - همان، رساله‌ی «تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملئه»، صص ۴۱۷-۴۱۸.
- ۱۲ - همان، درآمد، ص ۳۰.
- ۱۳ - همان، همان‌جا.
- ۱۴ - همان، جلد اول، رساله‌ی «تذکره‌الغافل و ارشاد الجاهل»، ص ۲۹۳.
- ۱۵ - همان، جلد دوم، رساله‌ی «تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملئه»، ص ۴۱۴.
- ۱۶ - همان، ص ۴۳۱.
- ۱۷ - همان، رساله‌ی «اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه»، ص ۲۳۹.
- ۱۸ - بنگرید به: آدمیت، فریدون، ایده‌نولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: انتشارات پیام، ۲۵۳۵.
- ۱۹ - ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات علمی، ۷ جلد، ۱۳۷۱.
- ۲۰ - بنگرید به: حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- ۲۱ - بنگرید به: آبادیان، حسین، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه؛ به انضمام رسائل علمای موافق و مخالف مشروطه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- ۲۲ - نجفی، موسی، بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت): تلاقی اندیشه سیاسی اسلام و ایران با غرب، به انضمام دوازده رساله مهم سیاسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- ۲۳ - همان، ص ۲۱۷.
- ۲۴ - همان، صص ۲۱۷-۲۲۵.
- ۲۵ - آدمیت، همان، ص ۲۶۰.
- ۲۶ - برای آگاهی بیشتر بنگرید به درآمد نویسنده بر رساله‌ی «تذکره‌الغافل و ارشاد الجاهل»، صص ۲۷۷-۲۷۹.
- ۲۷ - آدمیت، همان، ص ۲۶۱.
- ۲۸ - برای نمونه بنگرید به: آقا شیخ محمدحسین نائینی، تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملئه یا قانون حکومت از نظر اسلام، به ضمیمه مقدمه و پاصفحه و توضیحات به قلم سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.
- ۲۹ - آدمیت، همان، صص ۲۲۹-۲۳۰.
- ۳۰ - برای آگاهی بیشتر بنگرید به: درآمد نویسنده بر رساله‌ی «تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملئه»، صص ۴۰۶-۴۱۰.

محللاتی غروی است. از محللاتی، جز این رساله، رساله‌ی دیگر با عنوان «کشف حقیقت مشروطیت» در همین کتاب به چاپ رسیده است. از وی رساله‌ی دیگری نیز در باب دفاع از تولیدات داخلی و مبارزه با تهاجم کالاهای سرمایه‌داری غرب در دست است.

رساله‌ی اللئالی دلایلی مستحکم در دفاع از مشروطه و نثری ساده دارد. این رساله حاوی دو قسمت است، وی در قسمت نخست به شبهات مطرح شده در رساله‌ی «کشف‌المراد» پرداخته است، و مدتی بعد الحاقی بر قسمت نخست و در پاسخ به رساله‌ی «حرمت مشروطه» نوشته و سپس هر دو رساله را با عنوان اللئالی منتشر کرده است.

محللاتی در رساله‌اش به طرح مفهوم مشروطه و تأیید آن با توجه به دیدگاه سیاسی شیعه در باب حکومت پرداخته و برای اثبات آن از فقه و اصول سود جسته است.

**۴- مکالمات مقیم و مسافر:** این رساله، که برخی تألیف آن را به روحانی مبارز حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی نسبت داده‌اند، رساله‌ی دیگری در دفاع از مشروطیت است.

عمده‌ترین تفاوت این رساله، با رسائل دیگر مشروطه، قالب محاوره‌ای آن است. مؤلف که سعی داشته رساله‌ای در حد درک عوام بنگارد، مکالمه‌ای فرضی میان حاجی مقیم و امیرزا مهدی و با حضور امیرزا هدایت‌الله در قریه‌ی سعادت‌آباد ترتیب داده و در قالب این گفتگو، به طرح اندیشه‌ها و نظریات خود، در دفاع از مشروطیت و پاسخ به شبهات مخالفین، مبادرت نموده است. درج واژه‌های عدالت، حریت، مساوات و آزادی در چهار گوشه‌ی کادر صفحه‌ی اول کتاب، نشان از اعتقاد نویسنده به این چهار رکن زندگی اجتماعی دارد. بحث اصلی رساله، با گفت‌وگوی جدی میان حاجی مقیم و مسافر آغاز می‌شود. مقیم خرابی‌های حالیه‌ی ایران را ناشی از نظام مشروطه می‌داند، اما مسافر که ایران را سیاحت کرده و از تقاضاهای مشروطه‌طلبان آگاه است، شبهات او را رفع کرده و سرانجام مقیم نیز مشروطه‌خواه می‌شود.

**۵- تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملئه:** آخرین رساله‌ای که در اینجا مورد بررسی قرار می‌دهیم، رساله‌ای به قلم میرزا محمد حسین نائینی است. این رساله، معتبرترین، مشهورترین و ماندگارترین رسائل مشروطه‌خواهان است و در اهمیت آن همین بس که نه تنها سه بار به صورت سنگی چاپ شده، بلکه در عصر حاضر نیز بارها به صورت مجزا منتشر شده است.<sup>۳۸</sup>

دکتر فریدون آدمیت به‌رغم دیدگاهی که نسبت به روحانیون دارد، درباره نائینی نوشته است: «پیوستگی استدلال خصلت بارز نویسنده‌ی اوست و نشانه‌ی ذهن تحلیلی مرد اصولی... تحلیل خود نائینی استادانه است، گرچه استدلالش همیشه قانع‌کننده نیست... در انتقاد سیاسی بسیار تواناست. این را هم بگوییم که مردی وارسته و بزرگوار است».<sup>۳۹</sup>

در ابتدای رساله تقریظ دو تن از مراجع بزرگ نجف اشرف، آیات عظام آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی وجود دارد.

نائینی پس از مقدمه‌ای در وجوب و ضرورت حکومت، از وظایف اصلی حکومت سخن می‌گوید و سپس به بیان انواع حکومت می‌پردازد. وی حکومت‌ها را به دو نوع تملیکیه و ولایتیه تقسیم می‌کند و معتقد است که شق ثالثی وجود ندارد. به رغم اعتقاد راسخ نائینی به صحت